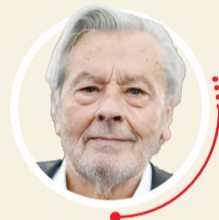




تریلر نسخه ترمیم شده «غریبه و مه»

تریلر فیلم «غریبه و مه»، ساخته بهرام بیضایی که در آزمایشگاه مرمت آثار سینمایی شهر بولونیا ایتالیا با مشارکت پروژه سینمای جهان بنیاد فیلم مارتین اسکورسیزی و سینما تک بولونیا ترمیم شده بود، منتشر شد. نسخه ترمیم شده فیلم «غریبه و مه» نخستین بار تابستان ۱۴۰۲ در جشنواره ایل چینما ریتروواتو، یکی از مهم ترین جشنواره های نمایش آثار کلاسیک و تاریخی سینمای جهان به نمایش درآمد. بهرام بیضایی در نوشتاری که برای نمایش فیلم «غریبه و مه» در جشنواره ایل چینما ریتروواتو نوشت، این فیلم را برآمده از کابوس های آن زمانش دانست. فیلم «غریبه و مه» با بازی خسرو شجاعزاده، پروانه معصومی، عصمت صفوی، منوچهر فرید و ولی شیراندازی نخستین بار ۱۲ آذرماه سال ۱۳۵۳ در تالار رودکی در بخش مسابقه سومین دوره جشنواره جهانی فیلم تهران به نمایش درآمد پس از دوره کوتاهی اکران در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۴ در سینما کاپری (بهمن) تهران، دیگر در ایران به نمایش درنیامد.



اجرای وصیت آن دلون منتفی شد

وصیت آن دلون مینی بر دفن کردن سگ خانگی اش با او، با اعتراض انجمن های حامی حیوانات، توسط فرزندان این بازیگر لغو شد. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، این بازیگر که در ۸۸ سالگی درگذشت، وصیت کرده بود سگ خانگی اش به نام لوبو را از بین ببرند و در قبرستان خانه اش در دهکده دوشی در لوآر فرانسه دفن کنند. پس از ابراز ناراحتی فعالان حقوق حیوانات از احتمال کشته شدن این حیوان سالم و پیشنهاد یافتن خانه ای جدید برای او، اعلام شد که لوبو زنده خواهد ماند و بنیاد بریزیت بارو گفت که آنوشکا - دختر دلون - تایید کرده است که خانواده سگ را نگه می دارد. دلون سال ۲۰۱۸ به نشریه پاریس میچ گفته بود: «این آخرین سگ زندگی من است... وقتی من نیستم، دلش برای من تنگ می شود. اگر من قبل از او بمیرم، از دامپزشک می خواهم که ما را با هم ببرند. ترجیح می دهم این کار را بکنم تا بدانم که او با این همه رنج می خواهد روی قبر من بمیرد.»



نسخه جدید فیلمی که باعث مرگ پسر بروس لی شد

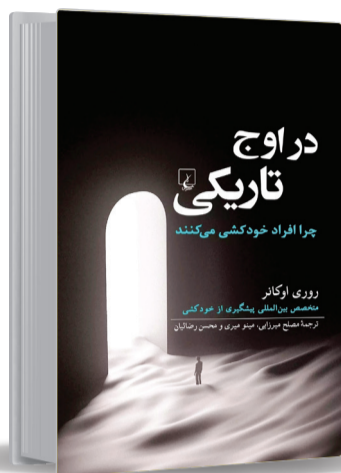
نسخه جدید از فیلم «کلاغ» که ۳۰ سال پیش برندون لی در حین ساخت آن با شلیک گلوله کشته شد، بدون استفاده از سلاح واقعی ساخته شد. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، روبرت سندرز، کارگردان فیلم جدید «کلاغ» فاش کرد که به دلیل مرگ برندون لی که ۳۰ سال قبل در حین ساخت فیلم اصلی مورد اصابت گلوله قرار گرفت و کشته شد، استفاده از سلاح واقعی را در صحنه فیلمبرداری ممنوع کرده است. برندون لی - پسر بروس لی - در سال ۱۹۹۴ هنگام فیلمبرداری صحنه ای برای فیلم «کلاغ» به طور تصادفی از ناحیه شکم مورد اصابت گلوله قرار گرفت و در بیمارستان در ۲۸ سالگی درگذشت. سندرز، کارگردان فیلم جدید «کلاغ» به وایتی گفت که مرگ لی، همچنین مرگ هالینا هاپچیز، فیلمسردار فیلم «زنگار» که به دلیل استفاده از گلوله های واقعی کشته شد، هنوز در ذهن اوست، بنابراین هیچ سلاح شلیکی در صحنه فیلم جدید «کلاغ» نخواهد بود.

دراهمیت فهم خودکشی

درباره ی کتاب در اوج تاریکی: چرا افراد خودکشی می کنند



زینب کاظم خواه خبرنگار گروه فرهنگ



شما هرگز نمی دانید که سرنوشت برای شما چه چیزی در آستین دارد. در مورد زوری اوکانر، قرار بود سرنوشت او را به سمت تحقیقات خودکشی ببرد، تا متوجه شود فردی که او را به آنجا رسانده است به دست خودش خواهد مرد. اوکانر برای به اشتراک گذاشتن سفر تحقیقاتی و زندگی خود در مورد موضوع خودکشی، «در اوج تاریکی: چرا مردم با خودکشی می میرند و چه کار می توانیم برای جلوگیری از آن بکنیم» را نوشت. او در این کتاب برخی از زمینه های آشنا - و برخی از زمینه های ناآشنا - را پوشش می دهد.

خود زوری اوکانر در مصاحبه ای درباره ی این کتاب گفته بود که همیشه شیفته ی سلامت روان بوده است، سعی کرده سلامت روان را درک کند و این که «چرا مردم غمگین یا افسرده و مضطرب هستند». او برای جلوگیری از خودکشی اهمیت زیادی قائل است چرا که فکر می کند «درد و رنجی که منجر به خودکشی می شود غیر قابل باور است و اگر ما آن درد را درک کنیم و سعی در کاهش رنج داشته باشیم، می توانیم از خودکشی جلوگیری کنیم. درد و رنجی که برای بازماندگان افرادی که خودکشی می کنند، توصیف ناشدنی است؛ برای همین فکر می کنم می توانیم برای جلوگیری از خودکشی تلاش کنیم.» زوری اوکانر، یک روانشناس

سلامت است که نوشته های زیادی درباره ی خودکشی منتشر کرده است. او همچنین در بحث هایی درباره ی خودکشی برای عموم مردم و درباره ی سیاست جلوگیری از خودکشی به خصوص در اسکاتلند - جایی که در آن زندگی و کار می کند - فعال است.

مدت ها، رفتار خودکشی به طور گسترده به عنوان محصول جانبی افسردگی یا سایر اختلالات روان پزشکی در نظر گرفته شده است، تا حد زیادی به عنوان حوزه ی روان پزشکی دیده می شد و به تنهایی مورد مطالعه یا درمان قرار نمی گرفت، اما

معرفی کتاب

دراوج تاریکی
نویسنده: زوری اوکانر
مترجم: مصلح میرزایی، مینو میری و محسن رضائیان
انتشارات: ققنوس
قیمت: ۲۷۰ هزار تومان



در دو دهه ی اخیر با تمرکز بر رابطه ی بین رفتار خودکشی و عوامل خطر روانی مانند ناامیدی، احساس به دام افتادن و نشخوار فکری، توجه فزاینده ای به روانشناسی رفتار خودکشی شده است. از دیدگاه روانشناسی سلامت، رفتار خودکشی به عنوان رفتار آگاهانه ی واقعی مفهوم سازی می شود، نه صرفاً به عنوان باقیمانده ی آسیب شناسی روانی. «در اوج تاریکی» به چهار بخش تقسیم می شود و حقایق اصلی (و تصورات غلط) درباره ی خودکشی را پوشش می دهد. اهداف اصلی این کتاب این است که چه مداخلات پیشگیرانه ای می تواند مؤثر باشد و آدم هایی که قصد خودکشی دارند یا از کسانی که بعد از خودکشی فردی نزدیک، به زندگی ادامه می دهند، حمایت می کند. تأکید اصلی به خصوص هنگام بررسی علل خودکشی، بر روانشناسی خودکشی است و شامل مروری است بر دیدگاه خود نویسنده برای سازمان دهی ارتباط های متفاوت با خودکشی در آنچه او مدل یکپارچه ی انگیزشی - ارادی می نامد.

هدف اوکانر در این کتاب، تلفیق چشم اندازهای شخصی و تخصصی است. سبک نویسنده در این کتاب غیر رسمی است و به صورت اول شخص نوشته شده است. حکایت های او در مورد تجربیات شخصی خودش، ارتباطاتش با افرادی که تأثیر خودکشی دیگری را خودکشی خود را احساس کرده اند، همچنین حرفه اش درباره ی تحقیقات خودکشی است. نکته ی مهم این است که این کتاب به ناپهنجاری ها می پردازد و بر تعامل پیچیده ی متغیرهای مختلف که ممکن

ولع در ساختن قاب هایی از طبقه فرودست

«فصل مهاجرت مُرده ها»

داستانی که در خدمت فضا سازی زندگی حاشیه نشین هاست



نرگس کیانی خبرنگار گروه فرهنگ



معرفی کتاب

فصل مهاجرت مُرده ها
نئیسنده: حسین قسامی
انتشارات: هیلا
قیمت: ۱۷۰ هزار تومان

اینکه برخی داستان نویسان و رمان نویسان ایرانی گویی دچار خلأ لوکیشن های باهویت و متنوع اند و بیشتر داستان های کوتاه و رمان ها به اصطلاح آپارتمانی شده اند، انتقادی است که هر از چندی در کارگاه های نویسندگی و جلسات نقد و بررسی آثار شنیده می شود. در این میان، طبیعتاً اگر اثری در فضاهای متنوع و متفاوت شهری به خصوص در فضاهای کمتر پرداخته شده متعلق به طبقات فرودست بگذرد، به ذات امتیازی برای آن به شمار می آید. هر چند افراف در این پرداخت گاهی تا آن جا پیش می رود که تصور می شود این فضا سازی نیست که در خدمت داستان است، بلکه داستان به خدمت

فضا سازی درآمد تا نشان دهد نویسنده در ساختن قاب هایی از طبقات به حاشیه رانده شده چه میزان توانمند است. این اتفاقی است که شاید بتوان گفت شامل حال رمان «فصل مهاجرت مُرده ها» به قلم حسین قسامی

نیز شده است. قسامی چه در «فصل مهارت مُرده ها» و چه در رمان دیگرش «حصار موش» نشان می دهد که در پرداخت شروع داستان، قلم توانایی دارد. «فصل مهاجرت مُرده ها» با داستان دو شخصیت اصلی؛ صابرسنگی و خواهر معلولش، لیلادر کاراژی که صابر در آن سگ پرورش می دهد، آغاز می شود و با نمایش شرط بندی بر سر جنگ سگ ها در تکه زمینی همجوار قبرستان شهر در همان ابتدا به اوج می رسد. داستان از زمان حال شروع می شود اما نویسنده از همان ابتدا، جابه جابه مدد یادآوری خاطرات توسط شخصیت های اصلی، تلاش می کند نشان دهد آن ها چه فراز و فرودهایی را طی کرده اند و چرا اکنون در چنین وضعیتی هستند. رفت و آمد نویسنده میان زمان حال و گذشته و ایجاد گذشتگان را به کمک خاطراتی اتفاق می افتد که همچون آسانسوری از زمان گذشته به زمان حال می آیند و جابه جا از کودکی صابرسنگی و خردسالی لیلاد، از بیماری مادرشان، از بی پدر بزرگ شدن شان و... می گویند. فصل اول «فصل مهاجرت مُرده ها» می توانست شروع خوبی برای رمانی در مورد طبقه فرودست، نادیده انگاشته شده و به حاشیه رانده شده باشد، اگر میل شدید نویسنده به نشان دادن تبحرش در ساخت صحنه های داستانی متعدد از زندگی این طبقه موجب شکسته شدن منطق داستانی نمی شد. رمان ۱۷۶ صفحه ای «فصل مهاجرت مُرده ها» قرار است آن طور که در معرفی اش هنگام انتشار - تیرماه ۱۴۰۳ - آمده است، روایت رویارویی دختری تنها و ساده - لیلاد با معلولیت از ناحیه دست راست.

چیزها را ببینیم، به باور او تلخ کامی هایی مثل سوگ، اضطراب و افسردگی شاید زیر نور فلسفه های کهن غربی غیر عقلانی به نظر بیایند و در نگاه روان شناسی مدرن اختلال ذهنی محسوب شوند. صنعت خودیاری هم عزم کرده تا نوید آینده بهتر را به ما بفروشد و از اینکه شکرگزارتر، خوشنودتر یا خوش بین تر نیستیم خجالت مان بدهد. اما دین در تاریکی دعوت مان می کند و رویکردی متفاوت به زیستن برگزینیم؛ رویکردی که در آن دیگر به احوال بد و تیره مان احساس ناخوشایندی نداریم. به نوعی در این کتاب مخاطب با نیمه تاریک خود مواجه شده و به جای انکار و سانسور آن، می آموزد که چطور در دل همین ظلمت ها راهی به روشنایی باز کند. ماریانا الساندری، فیلسوف اگریستانسیالیست، در این کتاب با الهام از زندگی جمعی از فلاسفه و نویسندگان می کوشد نشان مان بدهد که رنج مان به معنای معیوب بودن نیست بلکه از لطافت، حساسیت و هوشمندی مان حکایت دارد. متفکرانی همچون آری لرد، ماریا لوگونز، میگل د اوانامونو، سسی. اسن. لوتیس، گلوریا آنالدوا و کی پرکگور آن قدر در خشم، اندوه و اضطراب شان ماندند و تاب آوردند که چشم شان به تاریکی عادت کرد. الساندری برای مان می گویند، چطور خواننده های این کتاب هم می توانند «دیدن در تاریکی» را در خود بپرورانند. فارغ از نگارش جذاب و ترجمه روان کتاب، دیدن در تاریکی نشان مان می دهد که وقتی یاد بگیریم تاریکی را بپذیریم، رفته رفته خود مان و تلخ کامی های مان را شریف، محترم و آشکارا بشورار و انسانی خواهیم دید. در واقع در نظر نویسنده، تلخ کامی ها و احساسات بد ناشی از تجربه آنها، نه



معرفی کتاب

دیدن در تاریکی
نویسنده: ماریانا الساندری
ترجمه: احسان سنایی اردکانی
انتشارات: بیدگل
قیمت: ۲۶۵ هزار تومان

در جامعه و جهانی زیست می کنیم که به ویژه بعد از دوران تراژیک کرونا انگار نه فقط یک ترومای جمعی را تجربه کرده که گویی تروما های فردی هم از ضمیر ناخود آگاه جامعه بیرون آمده و زیستن را به رنج یک نبرد دشوار با خود تبدیل کرده است. چنانکه بسیاری از ما احساس ناتوانی و استیصال کرده و گمان می کنیم به اندازه کافی قوی نیستیم. مدام در پی همین احساس آزار دهنده، دست به خود خوری و سرزنش خود می زنیم و از اینکه دچار اضطراب و افسردگی می شویم عذاب وجدان پیدای می کنیم. از این رو مدام در پی روزنه ای از روشنی هستیم تا از این تباهی و تاریکی نجات پیدا کرده و رستگار شویم. «ماریانا الساندری» اما در کتاب «دیدن در تاریکی» به ما یادآوری می شود که ما باطل نور به خود مان لطمه می زنیم. باید بکوشیم به جای تاباندن نور به ظلمت، بیاموزیم که در همین تاریکی